

# پیشنادهای عملی برای «هدف‌گیری تورم» در اقتصادهای در حال گذار

اشاره:

«تورم» یا افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید عموم مردم به ویژه صاحبان درآمد کم و ثابت، از مشکلات اقتصادی است که در هر جامعه‌ای فقر را دامن می‌زند.

دولت‌های مردم‌سالار برای جلوگیری از گسترش فقر و حمایت از قدرت خرید عمومی، مبارزه با تورم را یکی از اهداف اقتصادی خود قرار می‌دهند تا از این طریق عدالت اجتماعی - اقتصادی را در جامعه تقویت کنند.

هدف‌گیری تورم و اجرای برنامه‌هایی در خصوص مبارزه با تورم، نه تنها در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار، بلکه در کشورهای پیشرفته صنعتی نیز از اهداف اقتصادی مهم و تأثیرگذار بر تحولات اجتماعی - سیاسی تلقی می‌شود و نهادهای پولی و مالی بین‌المللی برای تثبیت اوضاع اقتصادی در جوامع مختلف، برنامه‌هایی را برای مبارزه با تورم «هدف‌گیری تورم» توصیه می‌کنند.

مقاله حاضر که با عنوان «هدف‌گیری تورم» در نشریه «بررسی صندوق بین‌المللی پول» انتشار یافته، پیشنهادها و عملیاتی را برای مقابله با تورم در کشورهای در حال گذار اقتصادی ارائه می‌کند. این بررسی توسط اقتصاددانان بخش عملیات پولی (پولی، ارزی) صندوق انجام شده و پیشنهادها مذکور را که به طور اخص برای کشورهای در حال گذار مفید می‌باشد، مورد توجه قرار داده است. در این مقاله از سال‌ها تجربه کشورهای صنعتی که «هدف‌گیری تورم» را دنبال کرده‌اند، برخوردار است و چارچوب‌هایی را برای اقتصادهای در حال گذار معرفی می‌کند.

خلاصه‌ای از این مقاله که توسط خانم لیلی عمرانی ترجمه و تلخیص شده است را با هم می‌خوانیم.

اقتصادهای در حال گذار در خصوص «هدف‌گیری تورم» که در برزیل، شیلی، جمهوری چک، سال‌های اخیر به پذیرش کشورهای صنعتی معرفی و اعمال اسرائیل، لهستان و آفریقای جنوبی چارچوب‌های سیاست پولی در شده‌اند، روی آورده‌اند. «هدف‌گیری تورم» را پذیرفته‌اند و

کشورهایی مانند مکزیک و تایلند نیز در جریان قبول چنین برنامه‌ای می‌باشند. تجارت کشورها نشان می‌دهد که اساس برنامه «هدف‌گیری تورم» را وضعیت مالی قوی و ثبات اقتصاد کلان، سیستم مالی پیشرفته، ابزارهای مستقل بانک مرکزی و تعهد برای حصول ثبات قیمت‌ها تشکیل می‌دهد. در همین حال اتخاذ شیوه معقول و تفهیم‌شده تأثیر عملیات سیاست پولی بر تورم، روش‌شناسی مناسب برای پیش‌بینی تورم و شفافیت سیاست پولی و اعتبار این گونه سیاست‌ها را دربرمی‌گیرد.

البته بسیاری از عوامل یاد شده به ویژه وضعیت قوی مالی جهت اعمال سیاست پولی برای اجرای روبه‌های مساعد می‌بایست بدون توجه به ملاحظات سیاسی باشد. البته فراهم بودن تمامی این عوامل برای «هدف‌گیری تورم» در کشورهای در حال گذار، ضروری نیست.

اهداف سیاست پولی تنها با وجود چارچوب و بستر قانونی برای بانک مرکزی جهت اجرای برنامه «هدف‌گیری تورم» قابل دسترسی است و این بانک می‌بایست قادر

باشد که دورنمای سیاست پولی را ترسیم کند. به‌طور معمول، کشورها پیش از پذیرش برنامه «هدف‌گیری تورم» چارچوب‌های حقوقی خود را تعدیل می‌کنند. تمام بانک‌های مرکزی ابزارهای مستقلی از جمله نرخ بهره را در اختیار دارند و می‌توانند از آنها آزادانه استفاده کنند.

اکثر بانک‌های مرکزی که «هدف‌گیری تورم»، ثبات قیمت‌ها و نرخ‌های ارز را دنبال می‌کنند، مبارزه با تورم را هدف خود می‌دانند و این نشانه اهمیت و اعتبار حمایت‌های

اولیه و قانونی، سیاست پولی به‌شمار می‌رود. بانک‌های مرکزی تمایل دارند هدف‌گیری تورم را به‌طور یکطرفه اعلام کنند. در همین حال طول افق هدف، در عمل نشان داده است که آیا تورم بیش از میزان مورد انتظار در بلندمدت هست یا خیر. اگر بیش از هدف درازمدت باشد، برای کاهش تزلزل و ایجاد انعطاف‌پذیری، برنامه و هدف سالانه تعیین می‌شود که به سیاست‌گزاران اجازه می‌دهد از فرصت‌های غیرمنتظره برای تورم‌زدایی استفاده کنند.

شاخص تورم. شامل تمام یا

بخش اعظم کالاهای مصرفی (شاخص بهای کالاهای مصرفی CPI) می‌باشد و کشورهای صنعتی در

اساس برنامه «هدف‌گیری تورم» را وضعیت مالی قوی و ثبات اقتصاد کلان، سیستم مالی پیشرفته، ابزارهای مستقل بانک مرکزی و تعهد برای حصول ثبات قیمت‌ها، اتخاذ شیوه معقول، تأثیر عملیات سیاست پولی، شفافیت و اعتبار سیاست پولی و روش‌شناسی مناسب برای پیش‌بینی تورم تشکیل می‌دهد.

برنامه‌های تورم‌زدایی از شاخص CPI استفاده می‌کنند. زیرا از حساس‌ترین قیمت‌ها و نرخ‌های بهره نسبت به کل تورم که کشورهای در حال گذار از آن بهره می‌جویند، کمتر تأثیر می‌پذیرد و به همین جهت معتبرتر است.

اکثر کشورها در تعیین هدف بیش از آنکه به منقطع خاص توجه کنند به

رسمی قانونی در قبال تلاش برای کسب حمایت سیاسی موردنیاز برای تغییر قانون حاکم است.

تمام کشورهای در حال گذار، دخالت دولت در امور بانک مرکزی را محدود می‌کنند. اما دولت یا خود به تنهایی یا با اشتراک بانک مرکزی، اهداف تورم را دنبال می‌کند. در کشورهایی که تثبیت قیمت‌ها هدف

ملاحظات سیاسی باشد. البته فراهم بودن تمامی این عوامل برای «هدف‌گیری تورم» در کشورهای در حال گذار، ضروری نیست.

اهداف سیاست پولی تنها با وجود چارچوب و بستر قانونی برای بانک مرکزی جهت اجرای برنامه «هدف‌گیری تورم» قابل دسترسی است و این بانک می‌بایست قادر

بررسی روند گرایش دارند. زیرا اقتصادشان موجود است، بستگی دارد. دشواری‌هایی مانند فهرست کردن بهای اقلامی که در گذشته با رشد بالایی روبه‌رو بوده‌اند. وضعیت مالی قوی و تثبیت نظام مالی‌شان و کاهش میزان آسیب‌پذیری‌شان در قبال سقوط نرخ ارز اعلام نمودند. این روند به محدود شدن مخاطرات کمک می‌کند، اما

ممکن است زمانی که اعتبار نظام مالی شکننده است، چارچوب هدف‌گیری تورم با اهداف

تجربه نشان داده است که در تمام کشورهای در حال گذار، زمانی که چارچوب «هدف‌گیری تورم» به طور کامل پذیرفته شده، میزان تورم به کمتر از ۱۰ درصد رسیده است.

میزان تورم رو به کاهش می‌گذارد. متعددی در روزهای نخست مواجه شود.

مسایل عملیاتی در موضوع «هدف‌گیری تورم»، عملیات سیاست پولی برای کشورهای در حال گذار همانند و مشابه کشورهای صنعتی است. تمام کشورهای «هدف‌گیری تورم» را مدنظر دارند. باید قضاوت خوبی در خصوص تصمیم‌گیری درباره چگونگی اقدام در قبال اطلاعاتی که در اختیار دارند، داشته باشند.

با این حال کشورهای در حال گذار پذیرای «هدف‌گیری تورم» مایل هستند، وابستگی کمتری به مدل‌های اماری سیاست پولی عملیاتی مورد

میزان تورم رو به کاهش می‌گذارد. قبول کرده‌اند. تجربه نشان داده است که در تمام اقتصادهای در حال گذار، زمانی که چارچوب «هدف‌گیری تورم» به‌طور کامل پذیرفته شده، میزان تورم به کمتر از ۱۰ درصد رسیده است. تجربیات گذشته نشان داده است که کشورهای در حال گذار زمانی که دوره انتقال را شروع کردند، با تورم بالا و نرخ ارز خزنده مواجه بودند و برای به حداقل رساندن اختلالات در امر اشتغال و تولید نسبت به «هدف‌گیری تورم» گرایش کندی را در پیش گرفتند. آنها با توجه به نرخ‌های ارز، برای شاخصی کردن قیمت‌ها و دستمزدها، بار سنگینی را

گفت سیاست پولی شفاف و مکانیزم‌های روشن پاسخ‌گویی برای چارچوب «هدف‌گیری تورم» ضروری است.

پاسخ‌گویی ضروری است. زیرا

ابزارهای مستقل بانک مرکزی در اجرای سیاست پولی، بصیرت مهمی را مطرح می‌سازد. در حالی که تأخیر در انتقال سیاست پولی، کار نظارت دولت بر سیاست‌های جاری را مشکل می‌سازد. در نتیجه بانک‌های مرکزی به‌طور معمول پاسخگویی خود را با انتشار بیانیه‌های مطبوعاتی، گزارش‌های دورنمای تورم و گاهی الگوهای پیش‌بینی تورم از طریق رسانه‌های جمعی، افزایش داده‌اند.

مسایل انتقالی این موضوع که کشورهای در حال گذار به تدریج یا به سرعت به سوی «هدف‌گیری تورم» تغییر گرایش داده‌اند، به میزان دشواری‌هایی که در

توجه کشورهای صنعتی، داشته باشند. به‌طور کلی تعیین نرخ‌های بهره در کشورهای صنعتی و در حال گذار، نشان‌دهنده انحرافات تورم از هدف، اختلاف فاحش در تولید و دیگر متغیرهای اقتصادی است. این موضوع که یک کشور چگونه می‌تواند به موارد نقض اهداف تورم پاسخ دهد، به این موضوع بستگی دارد که آیا میزان تورم در سطح تورم درازمدت باشد یا بیش از آن. وقتی تورم در سطح هدف درازمدت باشد، سیاست جاری به موارد نقض پایه و سقف تورم که تمایل به تقارن برای محدود کردن تغییرپذیری تولید دارند، به خوبی پاسخ می‌دهد. با این وجود، کشورهایی که درصد کاهش میزان تورم هستند، تورمی کمتر از هدف درازمدت را می‌پذیرند و از نتایج غیرمنتظره تورم‌زدایی برای اعلام هدف‌های پایین‌تر بهره گرفته‌اند. در همین حال سیاست‌های شفاف سبب شده که صدمات ناشی از موارد نقض سقف مورد انتظار تورم، محدود شوند.

توجه کشورهای صنعتی، داشته باشند. در رده‌بندی کشورهای در حال توسعه از حیث میزان تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی سرانه، کشورهایی که «هدف‌گیری تورم» را مورد توجه قرار دادند، جزو ۲۰ درصد نخست این رده‌بندی قرار گرفته‌اند و توانسته‌اند از سیستم‌های مالی توسعه‌یافته‌تر برخوردار شوند. در کشورهای با تورم بالا، به ظاهر مجاری انتقال سیاست، «با روند نزولی قیمت و عبور سریع از نرخ ارز به تورم» مشخص شده‌اند و این تا وقتی بوده که چسارچوب «هدف‌گیری تورم» برایشان معتبر بوده است. اما مجاری این سیاست می‌تواند با تأثیر کمتر از مشکلات حقوقی و ترازنامه بانکی نیز انتقال یابد، زیرا سیاست پولی در تمام کشورهای که «هدف‌گیری تورم» را مورد توجه قرار داده‌اند، به ابزارهای مبتنی بر بازار و نرخ‌های بهره کوتاه‌مدت متکی است.

بهره‌گیری از این ابزارها، نشان‌دهنده بازارهای مالی به نسبت توسعه‌یافتگی این کشورها است. به‌طور کلی تعیین نرخ‌های بهره در کشورهای صنعتی و در حال گذار، نشان‌دهنده انحرافات تورم از هدف، اختلاف فاحش در تولید و دیگر متغیرهای اقتصادی است. این موضوع که یک کشور چگونه می‌تواند به موارد نقض اهداف تورم پاسخ دهد، به این موضوع بستگی دارد که آیا میزان تورم در سطح تورم درازمدت باشد یا بیش از آن. وقتی تورم در سطح هدف درازمدت باشد، سیاست جاری به موارد نقض پایه و سقف تورم که تمایل به تقارن برای محدود کردن تغییرپذیری تولید دارند، به خوبی پاسخ می‌دهد. با این وجود، کشورهایی که درصد کاهش میزان تورم هستند، تورمی کمتر از هدف درازمدت را می‌پذیرند و از نتایج غیرمنتظره تورم‌زدایی برای اعلام هدف‌های پایین‌تر بهره گرفته‌اند. در همین حال سیاست‌های شفاف سبب شده که صدمات ناشی از موارد نقض سقف مورد انتظار تورم، محدود شوند.

نوسانات نرخ ارز بر روی انتظارات تورم و نظام مالی داخلی را محدود یا تعدیل کنند. پاسخ مساعد بانک‌های مرکزی پذیرای «هدف‌گیری تورم» به بحران آسیا در سال ۱۹۹۷ و بحران مالی روسیه در سال ۱۹۹۸ به طور کلی بستگی به آن دارد که آیا شوک‌ها برای بالا بردن پیش‌بینی‌های تورم مورد توجه هستند یا اینکه فقط به‌طور بالقوه سیستم مالی داخلی را بی‌ثبات می‌کنند. با این حال برای کشورهای در حال گذار چالش دشواری است که اقداماتی را که در پاسخ به تعرضات مالی به عمل آورده‌اند، نقض کنند.

تجربه چند کشور در پی بحران‌های آسیا و روسیه نشان می‌دهد که چنانچه پاسخ به سیاست پولی به سرعت نقض نشود، تورم کاهش می‌یابد.

در همین حال بانک‌های مرکزی که «هدف‌گیری تورم» را دنبال می‌کنند، سعی دارند اثرات